به مناسبت یک روز بین‌المللی که دیگر نیست!

تضمین حق سلامت و رفاه مردم بومی

شهروند| تا همین چندسال پیش نهم آگوست به نام روز بین‌المللی مردم بومی نام‌گذاری شده است که از سوی مردم کشورهای مختلف جهان گرامی داشته می‌شد. نوع زندگی مردم بومی و آداب و رسوم آنان به‌عنوان بخشی از جامعه جهانی، همواره مورد توجه جامعه‌شناسان قرار داشته است. مردم بومی عمدتا به بخشی از جوامع بشری گفته می‌شود که هنوز بر پایه دانش و سبک زندگی سنتی گذران عمر می‌کنند. معمولا در جوامع بومی آهنگ توسعه کندتر از جوامع دیگر است. علت این کندی آن است که عموما جوامع بومی بر پایه یافته‌ها و دانش سنتی خود و همچنین برقراری تعادل بین داشته‌ها و نیازهای جامعه‌شان راه توسعه را پیش می‌گیرند. به نوعی می‌توان گفت که جوامع بومی به پایداری توسعه بیش از سایر جوامع توجه می‌کنند. توجه جوامع بومی به منابع طبیعی به‌عنوان مهمترین اهرم توسعه باعث شده تا مجامع علمی جهان امروزه توجه بیشتری به دانش بومی نشان دهند.

روز بین‌المللی مردم بومی جهان که تا پیش از سال ۲۰۱۵ همه ساله در ۹ آگوست برگزار می‌شد، بهانه‌ای بود برای ارتقا و حفاظت از حقوق جمعیت بومی جهان. همچنین این روز رهگذر مناسبی است برای به یادآوردن زحمات و اقداماتی که این افراد برای بهتر کردن جهان انجام می‌دهند مانند حفاظت از محیط‌زیست.

این روز جهانی نخستین بار از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر سال ۱۹۹۴ میلادی به مناسبت نخستین دیدار کارکنان سازمان ملل با مردم بومی در کمیسیون «ارتقا و حفاظت از حقوق بشر» در سال ۱۹۸۲ میلادی تصویب و اعلام شد.

این روز جهانی ابتدا به مدت یک دهه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ میلادی برگزار و پس از آن به مدت یک دهه دیگر از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ میلادی به منظور حمایت بیشتر از بومیان در جهان تمدید شد. شعار و زمینه دهه دوم روز بین‌المللی مردم بومی جهان بر «دهه اقدام و کرامت» متمرکز است. به مناسبت این روز جهانی، سازمان ملل در تمامی کشورهای جهان کلاس‌ها و کارگاه‌های آشنایی با مردم بومی را برگزار و از همه مردم و ملل دعوت می‌کند تا با شرکت در این برنامه‌ها، با مردم بومی جهان بیش از پیش آشنا شوند.

تصویر این روز جهانی که به‌عنوان نماد رسمی و بین‌المللی آن برگزیده شده، برگرفته از نقاشی یک نوجوان بنگلادشی به نام «ربانگ دوان» است.

اما پرسش اولیه و اساسی آن است که «مردم بومی» چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

در ویکی‌پدیای انگلیسی مردم بومی چنین تعریف شده‌اند:

«بومی‌ها، انسان‌ها، گروه‌ها و ملت‌هایی هستند که مدعی‌اند یک پیوستگی تاریخی و وابستگی فرهنگی با جوامع مختص به همان سرزمین و قلمرو اصیل خودشان دارند. واژه بومی به ساکنان اولیه هر کشور اشاره دارد، اما امروزه این کلمه بیشتر برای بومیان استرالیا به کار می‌رود. آنها مردمی سیاهپوست، لاغراندام، با بینی پهن و موهای سیاه فرفری هستند. بومیان استرالیا هزاران سال قبل از جنوب شرقی آسیا به استرالیا آمدند. آنها ابتدا خانه ثابت نداشتند و در پی شکار و جمع‌آوری غذا در بیابان سرگردان بودند. سلاح آنها نیزه و بومرنگ بود. مردم سفیدپوستی که بعدها به استرالیا رفتند، رفتار بسیار بدی با بومیان آن‌جا داشتند، اما امروزه این بومیان حقوقی برابر با سایر شهروندان استرالیا دارند.»

اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی مصوب ۱۳سپتامبر سال ۲۰۰۷ میلادی نیز بیان می‌دارد که مردم بومی، مردمی استثنایی با فرهنگ و آداب و رسومی خاص هستند که به غنا و تنوع فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دامن می‌زنند و به دلیل وابستگی به زمین و محیط طبیعی قواعد خاصی در حفاظت از آن دارند. این مردمان همانند همه ملل باید از حقوق بشر به‌ویژه برابری و عدم تبعیض برخوردار باشند.

با وجود اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، موافقتنامه‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در حمایت از مردمان بومی، نقض حقوق این افراد به‌ویژه در کشورهای آمریکای شمالی و استرالیا به‌شدت ادامه دارد. مردمان بومی کانادا به‌ویژه زنان آن با نقض مستمر و سیستماتیک حقوق بشر مواجهند که همین امر در طی سالیان اخیر اعتراض دیده‌بان حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را برانگیخته است.

به علاوه سرخپوستان آمریکایی نیز با دورانی از نقض حقوق و درد و رنج فراوان در این کشور مواجه بوده‌اند. ساکنان بومی استرالیا نیز اسیر اقدامات ضدحقوق بشری این کشور بوده و نسل‌های متوالی آنان موضوع نقض حقوق قرار گرفته‌اند.

زمینه و شعار سال ۲۰۱۵ سازمان ملل در روز بین‌المللی مردم بومی بر موضوع حق سلامت و رفاه این افراد متمرکز بود. دبیرکل سازمان ملل در پیام ویژه خود به مناسبت این روز اعلام کرد: «در این روز بین‌المللی یعنی روز بین‌المللی مردم بومی جهان من از جامعه جهانی می‌خواهم که این گروه را نادیده نگیرند. برای ایجاد آینده‌ای بهتر و منصفانه‌تر، بگذارید که ما تلاش بیشتری برای بهبود بهداشت و رفاه این مردمان انجام دهیم.»

بنابراین لازم است تا حرکتی جهانی برای حمایت و ارتقای سلامت، بهداشت و رفاه مردم بومی جهان صورت پذیرد. با وجود این موج بین‌المللی برای حمایت از مردم بومی، گاه می‌توان نادیده گرفتن حقوق این مردم را به واسطه تعارض منافع دولتی دانست. علی‌القاعده مردمان بومی از ابتدا بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی را در تصرف داشته‌اند و بدون تردید این قلمروها یا در نزدیکی منابع طبیعی مانند رودخانه‌ها، جنگل‌ها، کوه‌ها و... بوده یا بر برخی از میراث طبیعی مانند معادن سلطه داشته است؛ به همین جهت دولت‌ها تمایل به تصرف این سرزمین‌ها داشته و در پی خارج کردن این مناطق از دست مردمان بومی هستند.

نمونه دقیق این مسأله را می‌توان در دعوای اخیر دولت کانادا علیه مردمان بومی این کشور مطالعه کرد که دولت در آن در پی تصرف سرزمین‌هایی است که معادن بسیاری در آن واقع شده است. دولت‌ها برای تصرف این اماکن و مناطق با وجود ناظران بین‌المللی کار بسیار دشواری دارند، به همین علت به جای قتل و کشتار علنی این مردم در قالب سیاست‌های آموزشی و تربیتی رفته‌رفته ساکنان بومی را به مناطق دیگر منتقل کرده و زمین‌های آنان را تصرف می‌کنند. بومیان سرخپوست آمریکا شاهد چنین تجربه دردناکی بوده‌اند که در طی آن به کمپ‌ها و اردوگاه‌های ویژه‌ای منتقل می‌شدند و کم‌کم با آداب و سنن مدرن غربی خو گرفته و از سنن دیرین خود جدا می‌شدند.

هجمه به حقوق بشری مردمان بومی و نقض آن در ساختار سیاسی و قدرت دول مختلف امری بدیهی است که باید از آن جلوگیری شود. سازمان ملل و همه کشورهای عضو آن متعهدند که به حقوق مردمان بومی در جهان احترام گذارده و به حریم خصوصی، قلمرو حیات و حقوق ایشان تجاوز نکنند.

در این زمینه، مواد ۲۱ تا ۲۴ اعلامیه سازمان ملل درخصوص مردم بومی، حایز اهمیت می‌نماید. این مواد اعلامیه به حقوق متعددی در زمینه حق دسترسی به خدمات بهداشتی و معیشتی ازجمله مسکن و حمایت‌های ویژه سالخوردگان، معلولان و... مربوط به مردمان بومی پرداخته است.

ماد ۲۱ حق مردمان بومی به توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بدون هرگونه تبعیض را مقرر کرده و دولت‌ها را ملزم به اتخاذ تدابیر موثر و مناسب در جهت تضمین این امر کرده است. ماده ۲۲ مقرر کرده که در اجرای این اعلامیه باید به حقوق و نیازهای ویژه سالخوردگان، زنان، جوانان، کودکان و معلولان بومی توجه ویژه‌ای شود و دولت‌ها باید تدابیری جهت تضمین حمایت از زنان و کودکان در برابر خشونت و تبعیض اتخاذ کنند.

ماده ۲۳ حق تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ها برای اعمال حق توسعه و مشارکت فعالانه آنها در برنامه‌های مربوطه از طریق نهادهای مردمان بومی را متذکر شده است.

ماده ۲۴ حق بهره‌مندی مردم بومی از پزشک سنتی و دسترسی بدون تبعیض به تمامی خدمات اجتماعی و بهداشتی را بیان کرده و دولت‌ها را در دستیابی تدریجی به تحقق کامل حق بهره‌مندی از بالاترین معیارهای بهداشتی ملزم به انجام اقداماتی دانسته است.

امید است در پرتو برگزاری این روز جهانی حقوق مردمان بومی در سراسر جهان به‌ویژه کشورهای مدعی حقوق بشر نادیده انگاشته نشود.

روز جهانی چپ‌دست‌ها

چرا تمامی ابزارها و امکانات برای راست‌دست‌ها طراحی شده‌اند؟

روز ۱۳ اگوست برابر با ۲۲مرداد به نام روز جهانی چپ‌دست‌ها نام‌گذاری شده است. نام این روز در سال ۱۹۷۶ برابر با ۱۳۵۵ خورشیدی پیشنهاد شد و به تصویب رسید. دلیل نام‌گذاری این روز، انتقاد از این است که تمامی ابزارها و امکانات برای راست‌دست‌ها طراحی شده‌اند (مانند صندلی‌های یک‌دسته، صندلی راننده در خودروها، قانون‌های راهنمایی‌ورانندگی، میزهای پرکردن فرم در بانک‌ها و اداره‌ها و...) و چپ‌دست‌ها را مجبور به کاربرد از دست راست می‌کنند.

همچنین یکی از هدف‌های این روز پیکار با باورهای خرافاتی درباره چپ‌دست‌هاست.

چپ‌دستی به مفهوم تمایل طبیعی افراد در استفاده از دست چپ برای انجام کارهای گوناگون و به‌ویژه نوشتن است. به‌طور طبیعی، بیشتر انسان‌ها راست‌دست هستند، به این معنا که برای انجام کارهای روزمره، استفاده بیشتری از دست راست به عمل می‌آورند. یکسان‌دستان گروه خیلی کوچکی از انسان‌ها هستند که توانایی استفاده از دست چپ و راست را به‌طور یکسان دارند.

در مغز افراد راست‌دست نیمکره سمت چپ مسئول احساسات و نیمکره سمت راست مسئول منطق و پردازش کردن داده‌ها و محاسبه است، در مغز افراد چپ‌دست این مورد وارونه است و پیوند بیشتر و تنگاتنگ‌تری میان این دو نیمکره برقرار است

مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که در جوامع مختلف، ۷۰ تا ۹۰درصد جمعیت، راست‌دست هستند. بقیه این افراد عمدتا چپ‌دست هستند. درصد بسیار کمی نیز توانایی استفاده از دو دست را دارند.

علل چپ‌دستی

علت دقیق چپ‌دستی مشخص نیست. نظریه‌های مختلف، وراثت، یادگیری و فعالیت‌های مغزی در دوران جنینی و رشد را عامل تعیین چپ‌دستی یا راست‌دستی می‌دانند. پژوهشگران دانشگاه آکسفورد، اخیرا ژنی را کشف کردند که گمان می‌رود عامل بروز چپ‌دستی باشد. در افراد حاوی این ژن، بخش راست مغز کار کنترل سرعت و زبان را برعهده دارد و بخش چپ مغز مسئول احساسات است. در افراد راست‌دست که فاقد این ژن هستند، وظیفه هر نیمکره مغز برعکس این است. اما اندکی بعد، پژوهشگران دانشگاه ام‌ای‌تی آمریکا، نظریه جدیدی در این رابطه ارایه دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که در رحم مادر، مغز کودکان چپ‌دست آزادانه‌تر از مغز کودکان راست‌دست رشد می‌کند.

مسائل اجتماعی و فرهنگی

چپ‌دستی در بسیاری از جوامع، نوعی ناهنجاری و عادت ناپسند محسوب می‌شده است و معمولا سعی بر این بوده که کودکان را به استفاده از دست راست تشویق کنند. sinister در زبان لاتینی به معنای چپ است و در عین حال این واژه به معنی شوم و بدیمنی است. در زبان فرانسوی، gauche برای دو واژه چپ و ناشی به کار می‌رود و در زبان آلمانی، linkisch به معنی چپ‌دست و آدم ناجور است.

چپ‌دستان سرشناس

نشریه فاینانشیال تایمز گزارشی داده که تعداد مدیران چپ‌دست در شرکت‌های اینترنتی تقریبا دو برابر شرکت‌های غیراینترنتی یا سنتی است. افلاطون و ارسطو دو چهره نامدار چپ‌دست هستند. همچنین چارلی چاپلین، آلبرت اینشتین، اسحاق نیوتن، بتهوون، باخ، لئوناردو داوینچی، میکل‌آنژ، پیکاسو، شکسپیر، نیچه، بیل گیتس، جرج مایکل و مهاتما گاندی، پیکاسو، امینم، ۵۰ سنت، جورج مایکل، آمیتا باچان، تام کروز، رابرت دنیرو، نیکول کیدمن، استیو مک کوئین، تیم آلن، سارا جسیکا پارکر، آنتومی پرکینز، سیلوستر استالونه، آنجلینا جولی، لیدی گاگا نیز از چپ‌دست‌های نامی هستند.

باراک اوباما پنجمین رئیس‌جمهوری چپ‌دست آمریکا در میان هفت رئیس‌جمهوری اخیر این کشور (از جرالد فورد در ۱۹۷۴) تاکنون است. از میان چهار رئیس‌جمهوری اخیر ایالات‌متحده، تنها جرج بوش پسر چپ‌دست نیست. رونالد ریگان چپ‌دست بود و جرج بوش پدر، بیل کلینتون و باراک اوباما همگی چپ‌دست هستند.

چپ‌دستی در بسیاری از جوامع، نوعی ناهنجاری و عادت ناپسند محسوب می‌شده است و معمولا سعی بر این بوده که کودکان را به استفاده از دست راست تشویق کنند. sinister در زبان لاتینی به معنای چپ است و در عین حال این واژه به معنی شوم و بدیمنی است

چپ‌دست‌ها مهارت بیشتری در یادگیری ریاضیات دارند.

چپ‌دست‌ها درک بهتر و عمیق‌تری از جنس مخالف خود دارند (به دلیل رابطه بیشتر میان دو نیمکره مغز این افراد) و روابط بهتر و پایدارتری دارند، بهترین ازدواج آن است که دو چپ‌دست با هم ازدواج کنند!

در مغز افراد راست دست نیمکره سمت چپ مسئول احساسات و نیمکره سمت راست مسئول منطق و پردازش کردن داده‌ها و محاسبه است، در مغز افراد چپ‌دست این مورد وارونه است و پیوند بیشتر و تنگاتنگ‌تری میان این دو نیمکره برقرار است و همین باعث می‌شود که افراد چپ‌دست:

- کمتر گول بخورند.
- بیشتر مشکوک باشند.
- سخت‌تر قانع بشوند.
- بیشتر عصبانی بشوند.
- زود وابسته شوند و سخت دل بکنند.
- توانایی مدیریت بهتری داشته باشند.
- درک موسیقی و علاقه بیشتری به موسیقی داشته باشند.
- روابط دوستانه‌تر و گرم‌تری داشته باشند.
- آسان‌تر و عمیق‌تر مطالب تازه را یاد بگیرند.
- برای یادگیری نیاز کمتری به تکرار داشته باشند.